

بررسی و تحلیل روش‌ها و شاخص‌های سنجش قدرت نرم

محسن احمدپور^۱، حسن خداوردی^۲، گارینه کشیشیان سیرکی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

چکیده:

به اعتقاد جوزف نای به‌عنوان واضع نظریه و مفهوم قدرت نرم، سنجش و ارزیابی میزان کارایی و کارآمدی قدرت امری ضروری برای عمال‌کنندگان آن است. این در حالی است که قدرت نرم مفهومی نسبتاً سیال بوده و بر همین مبنا چارچوب‌های مختلفی برای سنجش آن وجود دارد. به رغم اهمیتی که قدرت نرم در روابط بین‌الملل دارد، چگونگی سنجش آن دشوار است چرا که شاخص‌های آن متغیر و با توجه به ذهنی بودن برخی از شاخص‌ها، اندازه‌گیری آنها دشوار است. بنابراین، با عنایت به مشکلاتی که در خصوص چگونگی سنجش قدرت نرم کشورها وجود دارد، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که مهمترین روش‌ها و شاخص‌های سنجش قدرت نرم کدامند؟ برای پاسخ به این سوال، از روش‌شناسی کیفی و تحلیل محتوای متون و منابع موجود در خصوص قدرت نرم استفاده شده است. نتایج نشان داد که در یک جمع‌بندی کلی، شاخص‌های سنجش قدرت نرم در سه گروه اصلی مشتمل بر احساسات/عواطف، برداشت‌ها/عقاید و رفتارها قابل طبقه‌بندی هستند و برای هر کدام از این سه گروه و متناسب با داده‌های در دسترس، می‌توان روش‌های مختلفی را مورد استفاده قرار داد.

واژگان اصلی: قدرت، قدرت نرم، منافع ملی، شاخص، روش، سنجش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

hakhodaverdi@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

تا مدت‌ها در نظریه‌های روابط بین‌الملل، مفهوم قدرت ملی برابر بود با آنچه از آن با عنوان قدرت سخت یاد می‌شود. قدرت سخت قدیمی‌ترین شکل قدرت است و با شاخص‌ها و معیارهایی همچون جمعیت، سرزمین، جغرافیا، منابع طبیعی، قدرت نظامی و توان اقتصادی سنجیده می‌شود. جوزف نای با طرح مفهوم قدرت نرم در ۱۹۹۰، بعد تازه‌ای را به قدرت ملی افزود. اما به رغم اهمیتی که قدرت نرم در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دارد، چگونگی ارزیابی و سنجش قدرت نرم دشوار است چرا که شاخص‌های آن متغیر و با توجه به ذهنی بودن برخی از شاخص‌های آن، اندازه‌گیری آنها دشوار است. در این خصوص، محققان سه مشکل را در رابطه با سنجش و ارزیابی نتایج و پیامدهای قدرت نرم مطرح می‌کنند.

یکی از این مشکلات، نامحسوس بودن منابع قدرت نرم است که ارزیابی نتایج را دشوار می‌کنند. برخی از این منابع تأثیرات تدریجی بر بازیگران هدف دارند. تغییر ذهنیت‌های بازیگران هدف نیازمند فرایند طولانی آموزش است. در عرصه عمل نیز ممکن است ترکیبی از عوامل تأثیرگذار باشند و موجب تغییر در رفتار بازیگران هدف شود؛ بنابراین به سختی می‌توان مشخص کرد این تغییر نتیجه به‌کارگیری منابع قدرت نرم است یا عوامل دیگری در این میان تأثیرگذار بوده‌اند و یا اینکه میزان تأثیرگذاری منابع قدرت در این رابطه چه میزان بوده است. واقعیت دیگر در این رابطه آن است که برداشت‌ها، احساسات و حتی رفتارهای بازیگران هدف، مدام در حال تغییر و دگرگونی است. بدین ترتیب، به دست آوردن درکی دقیق از ساختارهای شناختی، احساسی و ارزشی بازیگران هدف که قدرت نرم در رابطه با آنها به کار گرفته شده است، دشوار است (Ji, 2017: 82). نقل در رفیعی قهساره، (۱۳۹۷).

مشکل دوم آن است که در فرایند تبدیل منابع قدرت نرم به نتایج و اهداف مورد نظر، ممکن است متغیرهای مختلفی مداخله کنند و چنانچه این متغیرها تغییر کنند، ممکن است تأثیرات و نتایج قدرت نرم نیز دچار تغییر شود. دو متغیر مهم در این رابطه عبارتند از رابطه و محیط (Ji, 2017: 82). نقل در همان، (۱۹). اثرگذاری قدرت نرم تا اندازه زیادی تحت تأثیر نوع رابطه میان بازیگران اعمال‌کننده قدرت و بازیگران هدف اعمال قدرت است. در صورتیکه بین دولت به‌کاربرنده این منابع و دولت هدف روابط مبتنی بر همکاری وجود داشته باشد، این تأثیرگذاری تقویت خواهد شد. و در صورتیکه مردم کشور هدف، کشور به‌کارگیرنده منابع قدرت نرم را دشمن خود تلقی کنند، تأثیرگذاری قدرت نرم کاهش خواهد یافت. طبیعی است چنین اقداماتی به نوبه خود موجب تشدید برداشت‌های مبتنی بر

دشمنی می‌شود (Alexander et al, 2005: 63) نقل در رفیعی قهساره، (۱۳۹۷).

چالش سوم که آثار و پژوهش‌های موجود در حوزه قدرت نرم از آن غفلت کرده‌اند، میزان سازگاری منابع قدرت نرم کشور به‌کارگیرنده و منابع مشابه آنها در کشور هدف است. جهانی شدن و نوسازی با انتشار اشکال خاصی از گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به یکدست شدن فرهنگ جهانی کمک کرده‌اند، به‌گونه‌ای که برتری فرهنگ امریکایی، برخی از فرهنگ‌های غیرمسلط را به تقلیدکنندگان فرهنگ مسلط تبدیل کرده است؛ باینحال، مقاومت و منازعه فرهنگی هرگز از بین نمی‌رود. مهم‌ترین عامل ایجادکننده اختلاف و منبع اصلی منازعه میان انسان‌ها، فرهنگ است. برخورد تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تعیین‌کننده سیاست جهانی خواهد بود (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۳۲). بنابراین، هماهنگی منابع قدرت نرم یک کشور با محیط کشور هدف یکی از مولفه‌هایی است که در ارزیابی تاثیرگذاری قدرت نرم باید به آن توجه داشت. (رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۲۰).

شکل ۱: مشکلات سنجش قدرت نرم کشورها



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱ با استتاج از رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۱۷-۲۰

بنابراین، با عنایت به مسائل و مشکلاتی که در خصوص چگونگی سنجش قدرت نرم کشورها وجود دارد، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که مهمترین روش‌ها و شاخص‌های سنجش قدرت نرم کدامند؟ برای پاسخ به این سوال از روش‌شناسی کیفی و تحلیل محتوای متون و منابع موجود در خصوص قدرت نرم استفاده شده است.

پیشینه موضوع پژوهش

پژوهش‌های کمی در خصوص چگونگی سنجش قدرت نرم و شاخص‌های آن انجام شده است. رفیعی قهساره (۱۳۹۷) در مقاله **الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارآیی قدرت نرم کشورها** اشاره می‌کند که هر چند تلاش‌هایی برای سنجش و ارزیابی قدرت نرم صورت گرفته، اما در بسیاری از موارد، موسسه‌ها و نهادهایی که اقدام به سنجش قدرت نرم می‌کنند به نواقص روش‌ها و شاخص‌های سنجش قدرت نرم اذعان دارند. کیوان حسینی و جمعه‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله **تبیین نظری قدرت نرم بر مبنای نگرشی فرانای به کاربست منابع غیرمادی قدرت در سیاست خارجی** نتیجه می‌گیرد که مفهوم قدرت نرم که در جوزف نای آن را ارائه کرد، بخش گسترده‌ای از ادبیات مربوط به رویکرد غیرمادی به قدرت (به ویژه در ارتباط با امریکا) را در بر گرفته است. نکته مهم، موقعیت انحصاری این نوع نگرش نای محور است که باعث شده دیگر آرا و نظراتی که در حوزه تشریح چگونگی کاربست نرم قدرت در سیاست خارجی تقدم و اولویت دارند (مانند نظریه جنگ عادلانه، برداشت صلح دموکراتیک، تفسیر پساگراشمینی از چیره‌طلبی و...)، مورد غفلت و کم توجهی قرار گیرند. فتاحی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله **تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای** به این نتیجه رسیده‌اند که در نظر اندیشمندان مختلف و به خصوص نای، قدرت دارای سه وجه سخت، نرم و هوشمند است. حرکت جریان قدرت از منابع سخت آن شامل اجبارکنندگی، تهدید و استفاده از ابزارالات نظامی به سمت اقتناع، تولید جذابیت و استفاده از ابزارهای نرم مانند فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوبیت‌های سیاست خارجی و در نهایت استفاده از راهبردی بهینه و مدیریتی مدبرانه از منابع قدرت که از آن به قدرت هوشمند تعبیر می‌شود، بوده است. این سیالیت، از حالتی به حالت دیگر در آمدن و تغییرات دائمی قدرت ناشی از جوهر قدرت و تغییرات ایجاد شده در بازیگران و محیط پیرامونی آن است، به طوری که مفهوم قدرت در هر زمانی در حال تغییر شکل و بازسازی خود مطابق با شرایط محیطی و بازیگران آن است. مرور منابع فوق نشان می‌دهد که در خصوص روش‌ها و شاخص‌های قدرت نرم، منبعی که به صورت جامع این موضوع را مورد بحث قرار داده باشد وجود ندارد و همین امر ضرورت پرداختن به این موضوع را آشکار می‌نماید.

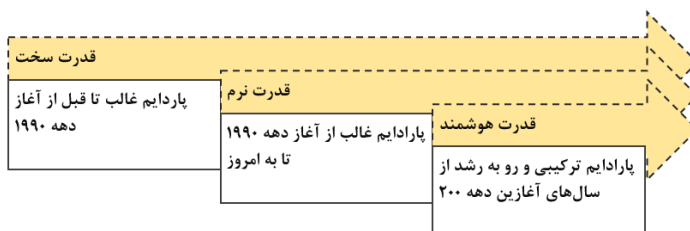
چارچوب مفهومی پژوهش

بررسی موضوع قدرت و دیگر مسائل پیرامون آن از مهم‌ترین اهداف مطالعات بشر در طول دوران زندگی بوده است. این موضع به قدری مورد توجه و در عین حال بر زندگی و کنش‌های انسانی تاثیرگذار بوده است که همه آنچه که بشر به آن می‌اندیشد را شامل می‌شود و این نگاه به قدرت و سیاست از حالی به حالت دیگر درآمدن آن در همه ابعاد زندگی بشر هر روز بیشتر از روز قبل دامنه‌ای وسیع‌تر و مفهومی گسترده‌تر یافته است (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

قدرت، مفهومی بسیار وسیع دارد و تقریباً می‌توان گفت در همه یا اکثر علوم تخصصی اعم از علوم فیزیکی و انسانی یا فردی و اجتماعی، کاربردی گسترده دارد، ولی جایگاه قدرت در علوم اجتماعی و به ویژه در علوم سیاسی، قابل ملاحظه است؛ به گونه‌ای که بسیاری از اندیشمندان سیاسی به اهمیت آن پی برده و حتی، بعضی از آنها کتاب مستقلی درباره آن نوشته‌اند. (اسکندری، ۱۳۸۱: ۳۰-۳۱).

تغییر در پارادایم‌های غالب مفهوم قدرت به گونه‌ای است که از لحاظ نظری، مهم‌ترین وجه تمایز انواع مختلف جنگ‌ها در ماهیت استفاده از قدرت و چگونگی اعمال آن است به طوری که دو نوع جنگ سخت و نرم قابل تصور و تحقق است. در جنگ سخت، قدرت ماهیتی سخت‌افزای دارد که به صورت قهرآمیز، مستقیم و آشکار اعمال می‌گردد. در حالی که در جنگ نرم، ماهیت قدرت، نرم‌افزای است که به شیوه غیرقهرآمیز، غیرمستقیم و نهان اعمال می‌شود. بر این اساس، اعمال قدرت نرم برای شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها، هنجارها، افکار، ادراکات، انتظارات، ارجحیت‌ها، انتخاب‌ها و الگوهای رفتاری فردی و جمعی به منظور هم‌سازی، تنظیم و تغییر هویت سوژه انسانی و جهان ذهنی در راستای تامین اهداف و تحقق نتایج مطلوب صورت می‌گیرد. در واقع این فناوری‌های مختلف است که در قدرت نرم بکار گرفته می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). با این نگاه، مرور متون و نظریه‌های مربوط به قدرت نشان می‌دهد تحول در پارادایم‌های قدرت در روابط بین‌الملل باعث شکل‌گیری سه گونه مشخص از قدرت به شرح شکل ۲ شده است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

شکل ۲: تحول در پارادایم‌های قدرت در روابط بین‌الملل



منبع: نویسنده‌گان، ۱۴۰۱

از میان سه پارادایم فوق، ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در دو نظریه «هژمونی یا سیطره» گرامشی و «چهره سوم قدرت» استیون لوکس جست‌وجو کرد. استیون لوکس در نظریه قدرت خود با الهام از مطالب گرامشی و لوکس تصریح می‌کند که در چهره سوم قدرت، قدرت بر فرد یا گروه اعمال می‌شود بی آنکه در مورد این اعمال قدرت آگاهی وجود داشته باشد و این کار از راه ایجاد تغییراتی در بستر اعمال قدرت به وجود می‌آید (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۰).

قدرت نرم، امپریالیسم فرهنگی و به تعبیر گرامشی، هژمونی فرهنگی سسه مفهوم نزدیک و دارای حوزه معنایی کم و بیش مشترکی هستند. آنچه از محتوای کلمات اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم بر می‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مولفه‌هایی از این سنخ است (شعبانی و هندیانی، ۱۳۸۷: ۲۹۲).

جوزف نای که در بسیاری از منابع به عنوان ابداع‌کننده مفهوم قدرت نرم شناخته می‌شود مفهوم قدرت نرم را نخستین بار در نشریه آتلانتیک در سال ۱۹۹۰ مطرح نمود و اظهار داشت که «اگر آمریکا تنها دو درصد از تولید ناخالص داخلی را به برنامه‌ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را ارتقاء دهد و هم کمک‌های موثر و اطلاعات مورد نظر را به خارج برساند به قدرتی متفاوت و عمیق‌تر از قدرت سخت دست می‌یابد که به آن قدرت نرم می‌گوییم». نای پس از آن در کتاب ناگزیر از رهبری، این مفهوم را مورد بررسی و توضیح بیشتری قرار داد. در این کتاب او کوشید بر عکس دیدگاه مسلط جهانی مبنی بر افول ابرقدرتی آمریکا، نشان دهد که این کشور نه تنها به لحاظ نظامی و اقتصادی، بلکه در بُعد دیگری به نام قدرت نرم نیز قوی‌ترین کشور محسوب می‌شود. او استدلال کرد که این نوع قدرت می‌تواند موجب به

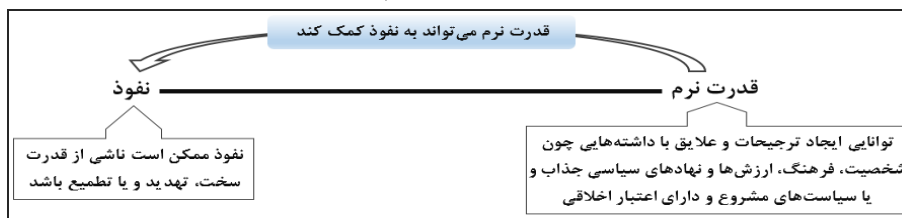
وجود آمدن افکار عمومی مطلوب‌تر و کسب اعتماد بیشتر در کشورهای دیگر شود. نای مجدداً در سال ۲۰۰۱ با انتشار کتاب ماهیت تناقض‌آمیز آمریکا به مفهوم قدرت نرم بازگشت. این کتاب در واقع هشدار می‌دهد که فلاح‌گرایی آمریکا در قرن بیستم بود (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۹). نای معتقد است وقتی همه نظر مشترک دارند و فقط بر سر چگونگی انجام کاری بحث دارند قدرت نرم می‌تواند مشکل را بهتر حل کرده، یک کشور را در موقعیت ممتاز قرار داده و شانس ایفای نقش مسلط را به آن بدهد. نای در سال ۲۰۰۴ در کتاب خود با عنوان قدرت نرم، ابزار موفقیت در سیاست جهان، به تفصیل در مورد ماهیت قدرت، منابع قدرت نرم، و نحوه صحیح به‌کارگیری قدرت نرم در داخل و خارج توضیح داده است (نای، بی‌تا، ۱۶۳-۱۴۷). قدرت نرم از نظر نای، شیوه جدید از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی است که موجب می‌شود یک کشور کاری کند تا کشورهای دیگر همان چیزی را بخواهند که او می‌خواند. وی این امر را قدرت اقتناع هم نامیده است (نای، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

ماهیت قدرت نرم

قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد. قدرت نرم، توانایی تعیین اولویت‌هاست؛ به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی، ارزش‌ها سیاسی و نهادهای مرتبط هم‌سو باشد و یا سیاست‌هایی که مشروع به نظر رسیده و یا دارای اعتبار معنوی هستند را پدید آورد. اگر یک رهبر ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران خود مایل به پیروی از آن باشند، در این صورت اداره کردن آن گروه هزینه‌های کم‌تری خواهد داشت (نای، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۳).

قدرت نرم، فقط به معنای نفوذ نیست به هر حال نفوذ ممکن است ناشی از قدرت سخت، تهدید و یا تطمیع هم باشد. لذا قدرت نرم، چیزی بیش از اغوا کردن و یا توانایی به حرکت واداشتن افراد به کمک استدلال است، اگرچه این هم بخش مهمی از آن است. قدرت نرم از نوع دیگری از ارزش (در واقع از زور و پول) برای ایجاد همکاری استفاده می‌کند و از جذابیت ارزش‌های مشترک، عدالت و مشارکت در دست‌یابی به آن ارزش‌های بهره می‌گیرد (نای، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۱۱).

شکل ۳: تفاوت قدرت نرم و نفوذ



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱ با استنتاج و جمع‌بندی از نای، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۱۱

از نظر سطح تأثیرگذاری، لی جی عنوان می‌کند تأثیرگذاری قدرت نرم در دو بُعد و سه سطح قابل مطالعه است. دو بُعد تأثیرگذاری قدرت نرم عبارتند از: بُعد احساسی و شناختی، و بُعد رفتاری. در بُعد احساسی و شناختی به‌کارگیری منابع قدرت نرم سبب تغییر احساسات و برداشتهای بازیگر یا بازیگران هدف می‌شود. در بُعد رفتاری نیز به‌کارگیری منابع قدرت نرم موجب تغییر در رفتار بازیگر یا بازیگران هدف می‌شود. سه سطح تأثیرگذاری قدرت نرم نیز عبارتند از: سطح فردی (خُرد)، سطح نهادی (متوسط) و سطح دولت (کلان). در سطح فردی، منابع قدرت نرم بر افکار یا رفتار افراد تأثیر می‌گذارد، در سطح نهادی بر افکار یا رفتار گروه‌های خاصی تأثیر گذاشته و آنها را تغییر می‌دهد، و در سطح دولت نیز بر افکار یا رفتار دولت‌مردان کشور هدف اثر گذاشته و موجب تغییر آنان می‌شود (Ji, 2017:84) نقل در رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۲۰-۲۱). جدول زیر این ابعاد و سطوح تأثیرگذاری را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ابعاد و سطوح تأثیرگذاری قدرت نرم

سطوح/ابعاد	سطح فردی (خُرد)	سطح نهادی (متوسط)	سطح دولت (کلان)
بُعد شناختی و فکری	تغییر در افکار و احساسات افراد هدف	تغییر در افکار گروه هدف	تغییر در افکار عمومی در دولت هدف
بُعد رفتاری	تغییر در رفتار افراد	تغییر در سیاست‌های نهادی و گروهی	تغییر در سیاست خارجی و سیاست‌های دولتی

منبع: رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۲۰-۲۱

اما برای درکی درست از ماهیت قدرت نرم بهتر است روند تکاملی دیدگاه‌های جوزف نای به عنوان واضع این مفهوم در معنای نوین آن را بررسی کرد. نای در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ای با عنوان تحول طبیعت قدرت جهان، قدرت را به توانایی انجام امور و نیز کنترل دیگران برای دستیابی به اهداف و خواسته‌ها تعریف می‌کند و معتقد است که توانایی کنترل بر سایر بازیگران، وابسته به میزان منابع قدرت تحت مالکیت ماست. نای اشاره می‌کند اگر در گذشته تنها منابع کمی و ملموس (جمعیت، سرزمین،

نیروی نظامی) به عنوان منابع قدرت شناخته می‌شدند، در عصر حاضر منابع غیرملموس (قدرت اقتصادی) نیز به آنها افزوده شده و باعث ایجاد تحول در منابع قدرت شده است. دوم، تحول در صورت قدرت است. نای در این مقاله تاکید دارد که باید میان اعمال مستقیم قدرت به روش آمرانه و اعمال قدرت غیرمستقیم یعنی قدرت به روش اِقتناعی تفاوت قائل شد. در روش اول از تشویق، تهدید و اجبار برای تغییر رفتار سایر بازیگران استفاده می‌شود که همان قدرت سخت شناخته می‌شود ولی در روش دوم، از جذابیت عقاید و ارزش‌ها و همچنین توانایی تعیین دستور کار سیاسی برای شکل‌دهی تمایلات و اولویت‌های دیگران و به تبع آن، تغییر رفتار آنها استفاده می‌شود که نای آن را قدرت نرم نام می‌نهد (Nye, 1990b: 177-181 نقل در صدرپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

شکل ۴: تفاوت در قدرت سخت و نرم به عنوان دو گونه‌ی اصلی قدرت مبتنی بر دیدگاه‌های جوزف نای



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

نای سپس در همان سال، در مقاله‌ای دیگر با عنوان قدرت نرم بیان می‌دارد که اثبات قدرت تنها در گروهی منابع قدرت نیست بلکه به توانایی ایجاد تغییر رفتار سایر دولت‌ها وابسته است. وی با برشمردن تحولاتی از جمله رشد بازیگران غیردولتی و کمپانی‌های چندملیتی، تحولات عظیم در زمینه ارتباطات و حمل و نقل و همچنین گسترش فناوری و جهانی شدن تعاملات اقتصاد، به پیچیدگی سیاست‌گذاری‌های آینده در قبال توزیع قدرت جدید اشاره می‌کند و معتقد است که توانایی قدرت‌ها با اتکا به منابع سنتی و اجبار دولت‌ها به تحقق خواست یک کشور، در حال رنگ باختن است. بر این اساس، نای قدرت نرم و یا قدرت متقاعدکنندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: قدرت نرم یا قدرت متقاعدکنندگی، توانایی یک کشور در ایجاد شرایطی است که در آن سایر کشورها منابع و علایق خود را به صورتی تعریف و دنبال کنند تا با منابع و علایق آن کشور همخوانی داشته باشد. این مکانیسم می‌تواند از طریق جذابیت فرهنگ و ارزش‌های یک کشور برای سایرین صورت گیرد که دیگران را ترغیب به تبعیت از آن کشور کند و یا اینکه آن کشور بتواند دستورکار جهانی و هنجارهای بین‌المللی را منطبق بر خواست و هنجارهای کشور خود به پیش ببرد (Nye, 1990a: 155-168 نقل در همان، ۱۷۰-۱۷۱).

جوزف نای سپس در سال ۲۰۰۲ در مقاله‌ای با عنوان قدرت سخت و قدرت نرم در عصر اطلاعات، ضمن برشمردن ویژگی‌های عصر اطلاعات و گسترش رسانه‌های جمعی و فردی برای انتقال و تبادل سریع و ارزان اطلاعات معتقد است که به دلیل تفاوت گسترده بازیگران بین‌المللی و کشورها در زمینه‌های توسعه‌ای و تکنولوژیک، همچنان ترکیبی از قدرت سخت، قدرت اقتصادی و قدرت نرم البته به میزان و درجه متفاوت وجود دارد و کشوری که در این سه جنبه از ابعاد قدرت دارای توانمندی باشد می‌تواند در مدیریت سیاست جهانی نقشی تاثیرگذار ایفا کند (Nye, 2002: 151-153 نقل در همان، ۱۷۱). در ادامه، نای در یکی از مهم‌ترین آثار خود پیرامون قدرت نرم در سال ۲۰۰۴، به صورت ساختارمند و دقیق به ابعاد مختلف این نظریه پرداخته است. وی در کتاب قدرت نرم، روشی برای موفقیت در سیاست جهانی، قدرت نرم را توانایی شکل‌دهی علایق و اولویت‌ها به وسیله دارائی‌های باارزش ولی ناملموس از قبیل شخصیت جذاب، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و نهادها و همچنین سیاست‌های مشروع و اخلاقی معرفی می‌کند. در این زمینه، نای روش‌ها و ابزارهایی را نیز برای بهره‌برداری بهینه از قدرت نرم مطرح می‌کند که رسانه، سرگرمی، تبادلات دانشجویی و نهادسازی از آن جمله است. همچنین جوزف نای به دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های قدرت نرم توجه بسیار دارد و برای آن سه مولفه اساسی بیان می‌کند که شامل ارتباطات روزانه با مردم، ارتباطات استراتژیک موضوعی و گسترش روابط بلندمدت با افراد کلیدی در کشورهای هدف است (Nye, 2004b: 107-118 نقل در همان، ۱۷۱).

در نهایت، جوزف نای در سال ۲۰۱۴ در مقاله‌ای با عنوان انقلاب اطلاعات و قدرت، مشخصه اصلی این عصر را که از اوایل قرن ۲۱ شروع شده و روز به روز بر گستره‌ی آن افزوده می‌شود سرعت تبادل اطلاعات و ارتباطات نمی‌داند؛ بلکه کاهش بسیار زیاد هزینه تبادل اطلاعات و ارتباطات در سراسر جهان را ویژگی بارز این عصر و باعث ایجاد تحولات گسترده در منابع قدرت و اهمیت آنها می‌داند. پس، اکنون اطلاعات و ارتباطات یکی از منابع بسیار مهم قدرت نرم در فضای بین‌المللی به حساب می‌آیند و کنترل جریان اطلاعات و مدیریت آن می‌تواند باعث تقویت قدرت شود که در نتیجه آن، ورود بازیگران جدید و غیردولتی بسیار به صحنه معادلات جهانی است (Nye, 2014 نقل در همان، ۱۷۱). باید اشاره کرد که مجدداً در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۱ نیز جوزف نای به ترتیب در دو مقاله با عناوین قدرت نرم، ریشه‌ها و پیشرفت سیاسی یک مفهوم و قدرت نرم، تکامل یک مفهوم،^۱

¹ - Soft power: the origins and political progress of a concept

بازگشت به نظریات قبلی خود، در مقاله نخست ریشه‌های سیاسی تکامل مفهوم قدرت نرم و در مقاله دوم نیز با اشاره به مفاهیم مرتبط با قدرت نرم قبل از طرح آن توسط خود وی در دهه ۱۹۹۰، ریشه‌ها این مفهوم را مورد بحث قرار داده است (Nye, 2017; Nye 2021).

به طور کلی در خصوص ماهیت قدرت نرم باید اشاره کرد که قدرت نرم در راهبرد خود از ابزارهای سنتی سیاست خارجی هویج و چماق پرهیز کرده و در عوض با استفاده از شبکه‌ها و ایجاد و تعامل با روایت‌های گیرا و جذاب از طریق شکل دادن به هنجارهای بین‌المللی، ایجاد ائتلاف‌ها و بهره‌گیری از منابع کلیدی که کشور را نسبت به دیگران ارزشمند جلوه می‌دهد، عمل می‌کند. به زبان ساده، قدرت سخت، راندن و قدرت نرم، حذب کردن است (Nye, 2011: 19).

شاخص‌های سنجش قدرت نرم

نخستین قدم برای اندازه‌گیری قدرت نرم به هر مدل صریحی که طراحی شده باشد استفاده از طرح‌های نظرسنجی بین‌المللی بود. پژوهش‌های موسسه پیو، خبرگزاری جهانی بی بی سی و آنهولت - جی اف کی راپر، همگی هدفشان آگاهی از میزان جاذبه کشورها و تمایل نسبت به آنها بود. حتی اگر هدف نظرسنجی‌ها، اندازه‌گیری قدرت نرم نبوده باشد، به عنوان یک ضمانت موثر عمل می‌کند. نخستین تلاش برای اندازه‌گیری قدرت نرم با تکیه بر ارزیابی منابع خاص و تعیین‌بخش آن از سوی موسسه گارمنت و نشریه مونکل به عمل آمد. این موسسه شاخص قدرت نرم موسوم به *IFG-Monocle Soft Power Index* را ایجاد کرد (McClory, 2010). این شاخص در نوع خود نخستین شاخص بود که منابع مختلف قدرت نرم که قابلیت یک کشور را برای تبدیل قدرت نرم خود به نفوذ در سیاست خارجی بدل می‌کند، شناسایی و مقوله‌بندی کرد. شاخص مذکور همچنین برای اولین بار معیار عینی را با داده‌های ذهنی در آمیخت (McClory, 2013). شاخص مذکور، زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی گردید؛ چراکه اولاً به طور صریح قدرت نرم را به شکل کمی مورد سنجش قرار داد. ثانیاً، روش‌شناسی تازه‌ای را پی‌ریزی کرد. قبل از آن که نخستین بار این شاخص در شکل کمی در سال ۲۰۱۰ انتشار یابد، تنها راه سنجش و مقایسه قدرت نرم کشورها درک عمومی مخاطب بود. نظرسنجی با همه کاربردهایش فقط می‌تواند دریافت‌های مخاطبان را جمع کند ولی نمی‌تواند از واقعیت منابع، ارزش‌ها و کنش‌هایی که در نهایت قدرت نرم یک کشور را شکل

¹ - Soft power: the evolution of a concept

^۲ - داده‌های ذهنی توسط یا گروه تخصصی هنگام ارزیابی کشورها بر اساس هفت فاکتور متفاوت جمع‌آوری شده بود.

می‌دهد، ارزیابی عینی به عمل آورد (Portland, 2019).

پس از شاخص IFG-Monocle پژوهش در مورد ارزیابی قدرت نرم بسیار ناچیز بود. با این حال، در ادبیات پژوهش قدرت نرم، مباحث گسترده‌ای پیرامون مولفه‌های شکل‌دهنده این قدرت نهفته است. جوزف نای قبلاً به سه منبع اولیه قدرت نرم یعنی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی اشاره کرده بود (Nye, 2004). در بافت قدرت نرم، فرهنگ را می‌توان مجموعه اعمالی دانست که برای یک جامعه تولید معنا می‌کنند (Nye, 2008: 16). فرهنگ می‌تواند شامل فرهنگ متعالی، ادبیات، هنرهای تصویری و تئاتر باشد که معمولاً مخاطبان نخبه و فرهیخته خودش را دارد. فرهنگ همچنین در برگیرنده سببها، موسیقی پاپ با هدف ایجاد بازارهای تفریحی و سرگرمی است. ارزش‌های سیاسی، قوانین و نهادهایی که بر یک کشور حاکم هستند قویاً بر ذهنیت جهانی از آن کشور تاثیر می‌گذارند. وقتی نهادهای دولتی به‌طور کارآمد به دنبال ارتقای ارزش‌هایی چون شفافیت، عدالت و برابری در داخل باشند به‌طور مسلم سیاست خارجی به عنوان یک منبع قدرت نرم حوزه‌ای را در بر می‌گیرد که دولت‌ها اقتدار خلاق خود را در رفتارشان نشان خواهند داد یعنی آیا یک کشور به عنوان یک نیروی جهانی در راستای خیر عمل می‌کند یا شر (Nye, 2004).

با وجود مشکلات زیادی که در خصوص سنجش قدرت نرم کشورها وجود دارد (این مشکلات در ادامه همین بحث مورد اشاره قرار می‌گیرد) اما برخی نهادها با توجه به اهمیت و ضرورت ارزیابی و سنجش قدرت نرم، اقداماتی در این حوزه انجام داده و کوشیده‌اند سطح کارایی و تاثیرگذاری قدرت نرم کشورها را مورد سنجش قرار دهند. نهادها و موسسات فعال در حوزه سنجش قدرت نرم را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد (Kharitonova, 2015: 49):

گروه نخست، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی غیرانتفاعی هستند که با حمایت‌های دولتی و بین‌المللی در زمینه سنجش و ارزیابی قدرت نرم فعالیت می‌کنند که از جمله می‌توان به مؤسسه سلطنتی الکانو در اسپانیا یا مؤسسه حکومت در بریتانیا اشاره کرد.

دسته‌ی دیگر از نهادهای فعال در این حوزه، شرکت‌هایی هستند که جنبه‌ی خصوصی داشته و برای نیل به اهداف تجاری، اقدام به رتبه‌بندی قدرت نرم کشورها کرده و در زمینه بهبود تاثیرگذاری قدرت نرم، به کشورهای متقاضی مشاوره می‌دهند. برای مثال، سیمون آنهولت با

همکاری شرکت آلمانی جی اف ک هر ساله اقدام به رتبه‌بندی کشورها از نظر قدرت نرم می‌کنند و درعین حال در زمینه ارتقای آن، به چهل کشور جهان مشاوره می‌دهد. هریک از این نهادها و مؤسسه‌ها، شاخص‌ها و معیارهای متفاوتی را برای سنجش قدرت نرم استفاده می‌کنند و بر اساس آنها، کشورهای مورد بررسی را دسته‌بندی می‌نمایند. معمولاً روشی که این نهادها و شرکت‌ها در ارزیابی قدرت نرم به کار می‌برند، روش تطبیقی و مقایسه‌ای است. این روش، امکان قضاوت در مورد میزان موفقیت کشورها به لحاظ قدرت نرم را فراهم می‌کند. روش مقایسه‌ای همچنین بررسی تغییر در جایگاه کشورها را از این نظر ممکن می‌سازد. به طور کلی، در خصوص سنجش قدرت نرم کشورها، مدل‌ها و شاخص‌های مختلفی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به شاخص قدرت نرم^۱، شاخص قدرت نرم جهانی^۲، شاخص قدرت نرم کشورهای دارای اقتصاد به سرعت در حال توسعه^۳، شاخص حضور جهانی^۴، شاخص برندهای ملی آنهولف - جی اف ک^۵، شاخص اعتبار اقتصادی فیوچر برند^۶ و شاخص اعتبار کشورها^۷ اشاره کرد که در ادامه شاخص قدرت ۳۰ و شاخص قدرت نرم جهانی به عنوان دو گروه از مهمترین شاخص‌های سنجش قدرت نرم توضیح داده می‌شود.

شکل ۵: مدل‌های سنجش قدرت نرم کشورها



- 1 GFK
- 2 Soft Power index 30
- 3 Global Soft Power Index
- 4 The Index of Soft Power for Countries with Rapidly Developing Markets
- 5 Global Presence index
- 6 Anholt-GfK Roper Nation Brands index
- 7 Future Brand Country Brand index
- 8 Country Reputation Rating

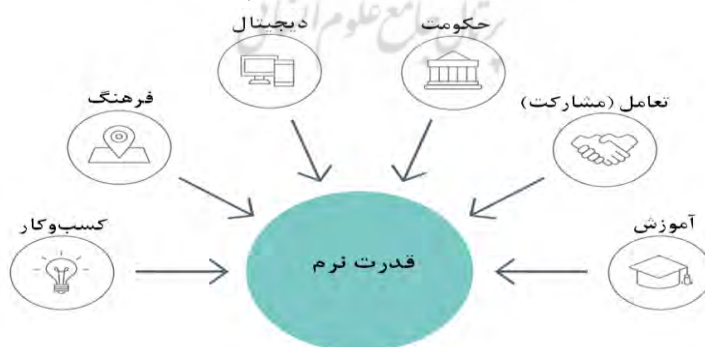
منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱ با استنتاج و تلخیص از Brand Finance, 2021 و رفیعی قهسار، ۱۳۹۷: ۳۰-۲۳

چارچوب شاخص‌های قدرت نرم ۳۰: چارچوب قدرت نرم ۳۰ سه ستون مورد نظر جوزف نای (یعنی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی) را به عنوان شروع و شالوده خود جای می‌دهد. این چارچوب همچنین از شاخص IFG-Monocle الهام گرفته و با استفاده از شاخص ترکیبی و مشابه از طریق درهم آمیختن داده‌های عینی و ذهنی به ارزیابی قدرت نرم می‌پردازد. شایان ذکر است که در این چارچوب، وزن شاخص‌های عینی به ذهنی ۷۰ به ۳۰ می‌باشد. یعنی ۷۰ درصد شاخص مبتنی بر داده‌های عینی و ۳۰ درصد نیز مبتنی بر داده‌های ذهنی‌اند. کشورهای منتخب در این شاخص بر اساس فرمول واحد یا معیارهای ثابتی تعیین نشده‌اند بلکه معیار انتخاب آنها این بوده که هر کشور در قالب نماینده گروهی از قدرت‌ها یعنی هر منطقه ژئوپلیتیکی باشد. در فرآیند انتخاب، کشورهای مهم OECD و کشورهای نوظهور BRIC و چند کشور کوچک‌تر که دامنه نفوذ بالایی داشته‌اند مد نظر ما بوده است. در مجموع داده‌های ۵۰ کشور جمع‌آوری و در نهایت ۳۰ کشور برتر انتخاب و منتشر می‌شود (Portland, 2019). همچنانکه اشاره شد این چارچوب از دو گروه از داده‌های عینی و ذهنی برای ارزیابی قدرت نرم کشورها استفاده می‌کند (Portland, 2019: 11).

الف) داده‌های عینی:

چارچوب مقولات مورد سنجش در داده‌های عینی بر اساس مطالعه ادبیات پژوهشی در زمینه قدرت نرم به دست آمده است. این داده‌ها شش شاخص اصلی شامل کسب و کار، فرهنگ، دیجیتال، حکومت، تعامل (مشارکت) و آموزش را شامل می‌شود. که هر کدام شامل زیرشاخص‌هایی به شرح جدول زیر می‌باشد.

شکل ۷: مدل‌های سنجش قدرت نرم کشورها



منبع: Portland, 2019: 27

جدول ۲: شاخص‌ها و زیرشاخص‌های عینی در چارچوب قدرت نرم ۳۰

شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	توضیح
کسب و کار	تعداد اختراعات ثبت شده جهانی، شاخص رقابت‌پذیری، شاخص سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، شاخص آزادی اقتصادی، نمره شاخص فساد، نمره شاخص شفافیت، سهم بودجه تحقیق و توسعه از کل تولید ناخالص داخلی، شاخص ابداع جهانی، تعداد بنگاه‌های کوچک و متوسط مقیاس (درصد نیروی کار شاغل در بنگاه‌های کوچک و متوسط مقیاس، شاخص انجام کسب و کار بانک جهانی	هدف این شاخص، هدف تعیین جذابیت مدل اقتصادی یک کشور براساس رقابت‌پذیری، قابلیت ابتکار و توانایی ارتقای کسب و کار و تجارت است
فرهنگ	تعداد کل گردشگران خارجی، میانگین پول‌هایی که گردشگران خارجی در کشور خرج می‌کنند، تعداد فیلم‌های به نمایش درآمده در فستیوال‌های خارجی، تعداد کارگزاری‌های خارجی در کشور، تعداد مکان‌های ثبت شده به عنوان میراث جهانی یونسکو، نمره شاخص زبانی، حضور سالانه در جمع ۱۰۰ موزه برتر جهانی، حضور در جمع ۵ آلبوم برتر موسیقی در کشورهای خارجی، صادرات کالاها، تعداد مدال‌های المپیک، جایگاه در رتبه‌بندی فیفا (مردان)	زمانی که فرهنگ یک کشور در جهت ارتقای ارزش‌های جهانی به گونه‌ای عمل می‌کند که سایر فرهنگ‌ها را به آن نزدیک می‌کند در واقع آن ارزش‌ها را برای دیگران جذاب ساخته است
دیجیتال	شاخص ارزش شبکه، شاخص دسترسی به شبکه، تعداد استفاده‌کنندگان از شبکه به ازای هر ۱۰۰ نفر، پهنای باند، شاخص دولت الکترونیک، شاخص مشارکت الکترونیک، تعداد دنبال‌کننده خارجی وزیر امور خارجه در فیسبوک، دنبال‌کنندگان خارجی رهبر کشور، نمره مشارکت وزیر امور خارجه برای مشارکت در فیسبوک، نمره مشارکت رهبر برای مشارکت در فیسبوک	انتخاب این شاخص برای درک این تحول است که کشورها تا چه اندازه فناوری را پذیرفته‌اند و چگونه و در چه سطحی توانسته‌اند با دنیای دیجیتال ارتباط برقرار کنند و دیپلماسی دیجیتالی از طریق پلات‌فورم‌های رسانه‌های اجتماعی چقدر در میان آنها نفوذ پیدا کرده است.
حکومت	شاخص توسعه انسانی، شاخص آزادی‌های داخلی، شاخص برابری جنسیتی، شاخص دموکراسی اقتصادی، شاخص اقتصاد پنهان (سهم از کل تولید ناخالص داخلی)، نرخ خودکشی، شاخص پاسخگویی بانک جهانی، میزان استفاده از مجازات اعدام، نابرابری درآمدی (ضریب جینی)، اعتماد خالص به دولت، آزادی رسانه، کارآمدی دولت (شاخص حکمرانی بانک جهانی)	زیرشاخص حکومت برای ارزیابی نهادهای دولتی، ارزش‌های سیاسی و پیامدهای مهم سیاست عمومی است این زیرشاخص‌ها به ارزیابی گستره جذابیت مدل حکومت می‌پردازد و پیامدهای مطلوب آن را برای شهروندان

شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	توضیح
		ارزیابی می‌کند کشوری جذاب است که دولتش در نظم و سامان است
تعامل (مشارکت)	تعداد نمایندگی‌های خارجی در کشور، تعداد سفارت‌خانه‌ها در کشور، تعداد نمایندگی‌های دائمی در سازمان‌های چندجانبه، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، مشارکت در تعداد موافقت‌های نامه‌های بین‌المللی زیست‌محیطی، تعداد درخواست‌های پناهندگی سیاسی به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، تعداد نمایندگی‌های فرهنگی خارجی، تعداد کشورهایی که می‌توانند شهروندان می‌توانند بدون ویزا به آن سفر کنند	هدف این شاخص سنجش منابع دیپلماسی کشور، شناخت ردپاهای جهانی و گستره مشارکت در جامعه بین‌المللی است این شاخص در برگزیده قابلیت کشورها در تعامل با مخاطبان جهانی در ایجاد همکارهای و در نهایت تسهیل دستاوردهای جهانی است
آموزش	تعداد اندیشه‌ها (سازمان‌های پژوهشی) در کشور، شاخص موفقیت در تحصیلات دانشگاهی، تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی دانشگاهی، تعداد دانشجویان خارجی در کشور، نرخ باسوادی، سهم بودجه آموزش از کل تولید ناخالص داخلی	فارغ‌التحصیل شدن دانشجویان خارجی و بازگشت آنها به میهن، اعتبار و خوش‌نامی برای کشور میزبان به بار می‌آورد قابلیت هر کشور برای جذب دانشجویان خارجی یا تسهیل تبادلات علمی و آموزش‌ها یک اهرم قوی در دیپلماسی عمومی حتی میان کشورهای با پیشینه تخاصم محسوب می‌شود هدف این شاخص، درک پدیده تحصیل و نقش کشورها در نظام‌های آموزش در سطح جهانی و جایگاه آنها در ارائه آموزش برتر می‌باشد

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱ با جمع‌بندی و تلخیص از Portland, 2019: 118-120

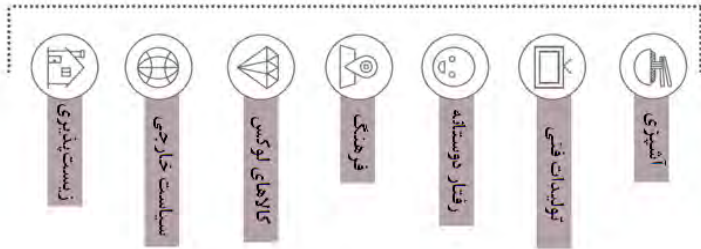
(ب) داده‌های ذهنی:

یکی از چالش‌ها در سنجش و اندازه‌گیری قدرت نرم، ماهیت ذاتاً ذهنی آن است. بنابراین، در چارچوب شاخص قدرت ۳۰، با مرور ادبیات دانشگاهی موجود در باره قدرت نرم، سوالاتی با توجه به منابع قدرت نرم طراحی شده است. نظرسنجی‌ها داده‌هایی در باره ادراکات بین‌المللی که مردم بر اساس آن‌ها با خارجی‌ها مواجه می‌شوند فراهم می‌آورد. موضوعات مورد بررسی در داده‌های ذهنی مشتمل بر

موارد ذکر شده در شکل زیر هستند.

شکل ۸: شاخص‌های مورد سنجش به صورت ذهنی در چارچوب قدرت نرم ۳۰

شاخص‌های ذهنی سنجش قدرت نرم در چارچوب قدرت نرم ۳۰

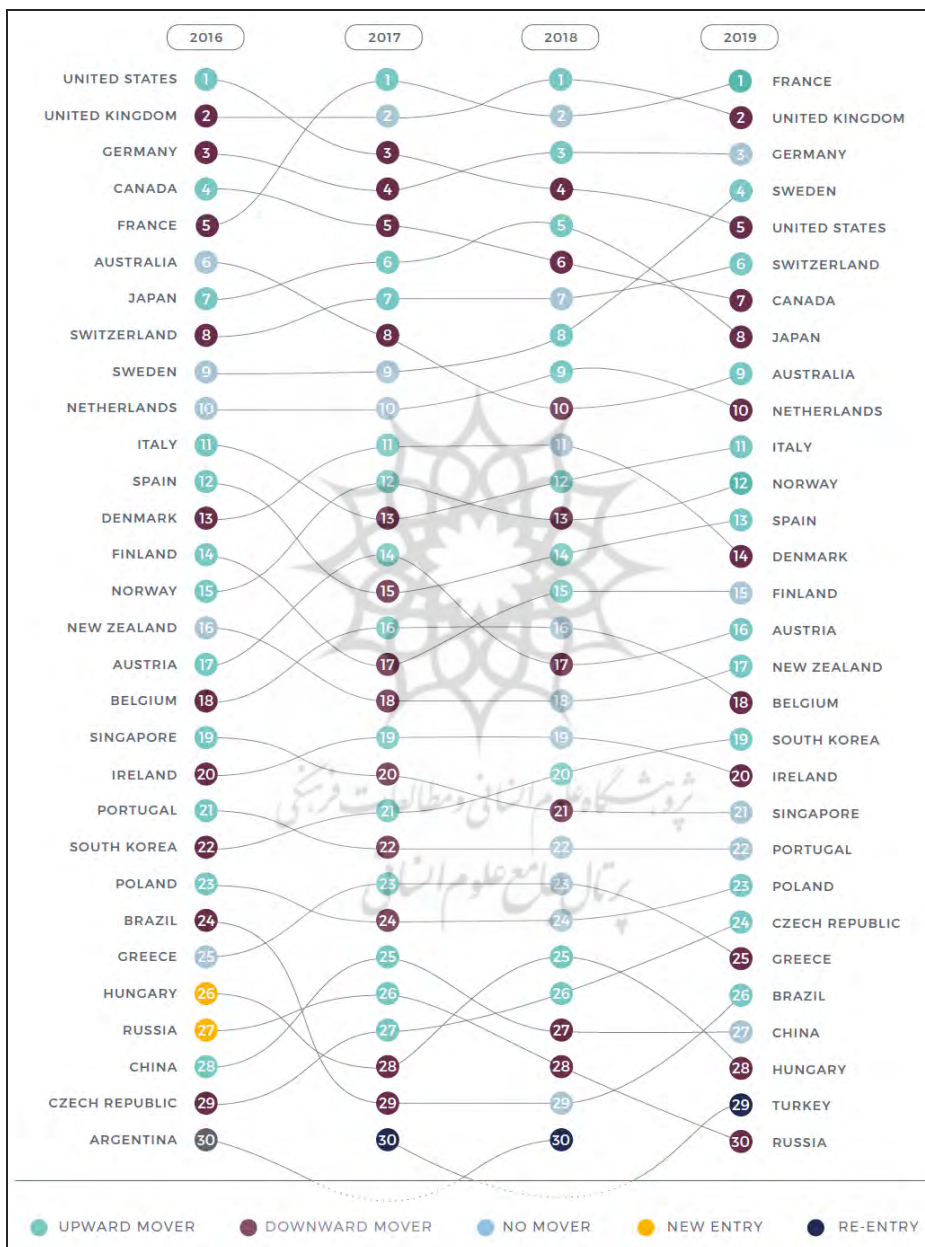


منبع: Portland, 2019: 11

شایان ذکر است که در آخرین گزارش موسسه پرتلند بر اساس شاخص قدرت ۳۰، کشورهای برتر در قدرت نرم به ترتیب شامل فرانسه، بریتانیا، آلمان، سوئد، ایالات متحده، سوئیس، کانادا، ژاپن، استرالیا، هلند، ایتالیا، نروژ، اسپانیا، دانمارک، فنلاند، اتریش، نیوزیلند، بلژیک، کره جنوبی، ایرلند، سنگاپور، پرتغال، لهستان، جمهوری چک، یونان، برزیل، چین، مجارستان، ترکیه و روسیه بوده‌اند. همچنین لازم به ذکر است که این رتبه‌بندی در سال‌های مختلف متفاوت بوده و برخی از کشورها از زمره ۳۰ کشور نخست خارج و برخی کشورهای جدید به این فهرست اضافه می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

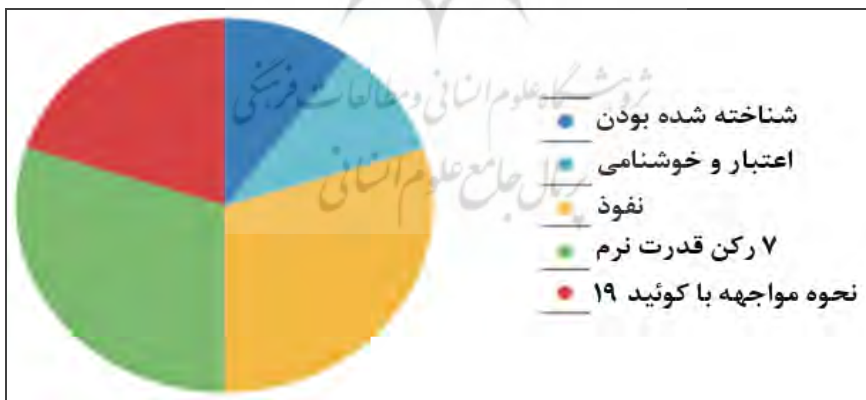
نمودار ۱: سی (۳۰) کشور نخست جهان از نظر قدرت نرم بر اساس شاخص‌های قدرت نرم ۳۰ در فاصله سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۹



منبع: Portland, 2019: 40

شاخص قدرت نرم جهانی: یکی دیگر از مهمترین شاخص‌هایی که قدرت نرم کشورها بر اساس آن ارزیابی و کشورها رتبه‌بندی می‌شوند شاخص قدرت نرم جهانی است که توسط موسسه براند فاینانس توسعه داده شده است و آخرین و به‌روزترین این سنجش و رتبه‌بندی نیز برای سال ۲۰۲۱ منتشر گردیده است. طبق این گزارش، قدرت نرم به عنوان توانایی یک کشور برای تأثیرگذاری بر ترجیحات و رفتارهای بازیگران مختلف در صحنه بین‌الملل (دولت‌ها، شرکت‌ها، جوامع، مردم و غیره) از طریق جاذبه یا اقتناع به جای اجبار تعریف شده است (Brand Finance, 2021: 17). از جمله مزیت‌های این مدل این است که علاوه بر برخی از شاخص‌های ثابت و پایه، متناسب با تغییر و تحولاتی که در عرصه جهانی روی می‌دهد برخی از شاخص‌های متغیر را نیز وارد مدل کرده و بر اساس آن کشورها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. به عنوان مثال، در گزارش منتشر شده در خصوص قدرت نرم کشورها در سال ۲۰۲۱، نحوه مواجهه کشورها با کوئید ۱۹ به عنوان یکی از موضوعات کلیدی مورد تاکید و سنجش قرار گرفته است. طبق این مدل، ساختار به‌کار گرفته شده برای سنجش قدرت نرم کشورها در سال ۲۰۲۱ شامل ۵ بُعد اصلی مشتمل بر شناخته شده بودن کشور، اعتبار و خوشنامی کشور، نفوذ کشور، ۷ رکن قدرت نرم (که در ادامه توضیح داده می‌شود و نحوه مواجهه با کوئید ۱۹ بوده است).

شکل ۹: ساختار شاخص قدرت نرم جهانی در سال ۲۰۲۱

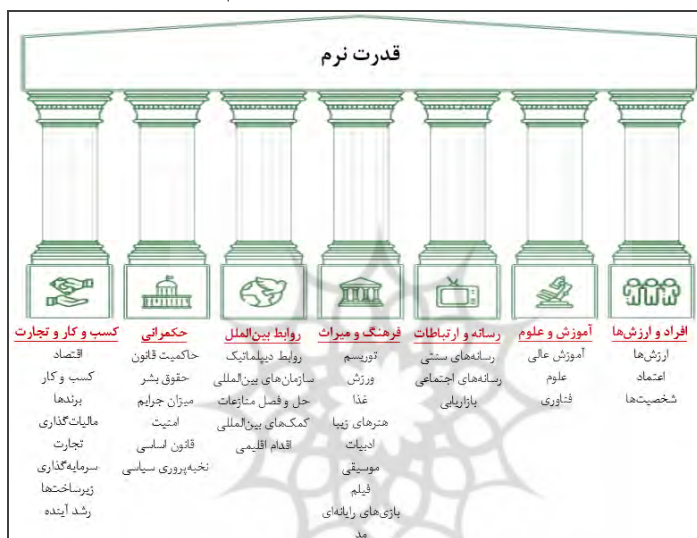


منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱ با استفاده از Brand Finance, 2021: 18

¹ - Brand Finance

همچنانکه اشاره شد ساختار شاخص قدرت نرم جهانی در سال ۲۰۲۱ مشتمل بر ۵ بُعد اصلی که یکی از آنها ارکان ۷گانه این ساختار است. این ارکان دارای شباهت نسبی به شاخص‌های قدرت نرم ۳۰ بوده و مشتمل بر کسب و کار و تجارت، حکمرانی، روابط بین‌الملل، فرهنگ و میراث، رسانه و ارتباطات، آموزش و علوم و افراد و ارزش‌ها هستند که هر کدام از این شاخص‌ها نیز خود دارای زیر شاخص‌های متعدد هستند که در شکل زیر نشان داده شده است.

شکل ۹: هفت رکن شاخص قدرت نرم جهانی



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱ با استفاده از Brand Finance, 2021: 18

اما شاخص قدرت نرم جهانی طیف گسترده‌تری از کشورها را در سنجش خود قرار می‌دهد و هر ساله گزارش‌هایی که منتشر می‌کند داده‌ها و رتبه‌بندی مربوط به ۱۰۰ کشور نخست در آن قرار دارد. بر اساس آخرین گزارش موسسه برندفاینانس که در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است ایران در زمره ۱۰۰ کشور نخست جهان از نظر قدرت نرم قرار و در جایگاه ۶۲ جهان قرار گرفته است. البته این رتبه به این معنا نیست که وضعیت ایران از نظر قدرت نرم مناسب است بلکه با مشاهده نمره ایران در این رتبه‌بندی مشخص می‌شود که از مجموع ۱۰۰، ایران نمره ۴۸ را از نظر قدرت نرم دارد و البته نمره و رتبه آن نیز نسبت به سال‌های قبل رو به نزول بوده است. در سال ۲۰۲۱، بر اساس شاخص قدرت نرم جهانی، آلمان با مجموعه نمره ۶۲/۲ و روندی رو به افزایش در جایگاه نخست جهان و انگولا نیز با نمره ۲۶/۹ در جایگاه صدم جهان قرار گرفته است.

تصویر ۱: ۱۰۰ کشور نخست جهان از نظر رتبه‌بندی شاخص قدرت نرم جهانی در سال ۲۰۲۱

1 GERMANY Score: 62.2	2 JAPAN Score: 60.6	3 UNITED KINGDOM Score: 57.9	4 CANADA Score: 57.3	5 SWITZERLAND Score: 56.5	26 QATAR Score: 42.3	27 TURKEY Score: 42.3	28 PORTUGAL Score: 40.8	29 IRELAND Score: 40.7	30 NEW ZEALAND Score: 39.0
6 UNITED STATES Score: 35.9	7 FRANCE Score: 35.4	8 CHINA Score: 34.3	9 SWEDEN Score: 33.2	10 AUSTRALIA Score: 32.2	31 GREECE Score: 31.8	32 LUXEMBOURG Score: 30.9	33 THAILAND Score: 30.7	34 EGYPT Score: 30.4	35 BRAZIL Score: 30.3
11 SOUTH KOREA Score: 31.3	12 NETHERLANDS Score: 30.5	13 RUSSIA Score: 30.5	14 NORWAY Score: 30.4	15 DENMARK Score: 29.4	36 INDIA Score: 27.7	37 SOUTH AFRICA Score: 27.2	38 POLAND Score: 27.0	39 MALAYSIA Score: 26.9	40 CZECH REPUBLIC Score: 26.3
16 NEW ZEALAND Score: 29.3	17 UNITED ARAB EMIRATES Score: 28.4	18 FINLAND Score: 28.3	19 ITALY Score: 28.3	20 SINGAPORE Score: 27.9	41 ARGENTINA Score: 26.4	42 NEW ZEALAND Score: 26.4	43 HUNGARY Score: 24.7	44 MEXICO Score: 24.3	45 INDONESIA Score: 24.3
21 BELGIUM Score: 27.7	22 SPAIN Score: 27.5	23 AUSTRIA Score: 26.7	24 SAUDI ARABIA Score: 26.5	25 ISRAEL Score: 24.9	46 NEW ZEALAND Score: 24.8	47 VIETNAM Score: 24.8	48 MOROCCO Score: 23.1	49 NEW ZEALAND Score: 23.1	50 JORDAN Score: 23.1
76 IRAN Score: 30.2	77 NEW ZEALAND Score: 30.2	78 BANGLADESH Score: 29.0	79 LITHUANIA Score: 29.0	80 LATVIA Score: 29.0	51 NEW ZEALAND Score: 33.6	52 COLOMBIA Score: 33.6	53 PHILIPPINES Score: 33.4	54 ESTONIA Score: 33.4	55 CHILE Score: 33.4
81 NEW ZEALAND Score: 29.2	82 NEW ZEALAND Score: 29.2	83 ETHIOPIA Score: 29.1	84 NEW ZEALAND Score: 29.0	85 BOLESLAVIA Score: 29.0	56 NEW ZEALAND Score: 33.1	57 NEW ZEALAND Score: 32.2	58 NEW ZEALAND Score: 32.2	59 NEW ZEALAND Score: 32.1	60 NEW ZEALAND Score: 32.0
86 NEW ZEALAND Score: 28.9	87 NEW ZEALAND Score: 28.9	88 NEW ZEALAND Score: 28.9	89 NEW ZEALAND Score: 28.9	90 NEW ZEALAND Score: 28.9	61 NEW ZEALAND Score: 32.0	62 NEW ZEALAND Score: 32.0	63 NEW ZEALAND Score: 32.0	64 NEW ZEALAND Score: 32.0	65 NEW ZEALAND Score: 32.0
91 NEW ZEALAND Score: 28.3	92 NEW ZEALAND Score: 28.3	93 NEW ZEALAND Score: 28.3	94 NEW ZEALAND Score: 28.3	95 NEW ZEALAND Score: 28.3	66 NEW ZEALAND Score: 31.6	67 NEW ZEALAND Score: 31.4	68 NEW ZEALAND Score: 31.4	69 NEW ZEALAND Score: 31.4	70 NEW ZEALAND Score: 31.4
96 NEW ZEALAND Score: 27.7	97 NEW ZEALAND Score: 27.5	98 NEW ZEALAND Score: 27.5	99 NEW ZEALAND Score: 27.5	100 NEW ZEALAND Score: 27.5	71 NEW ZEALAND Score: 31.1	72 NEW ZEALAND Score: 31.0	73 NEW ZEALAND Score: 30.9	74 NEW ZEALAND Score: 30.9	75 NEW ZEALAND Score: 30.9

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱ با استفاده از 5-6 Brand Finance, 2021:

نتیجه‌گیری

قدرت نرم مفهومی نسبتاً متغیر و سیال بوده و بر همین مبنا چارچوب‌های مختلفی برای سنجش و ارزیابی آن وجود دارد. به اعتقاد جوزف نای، سنجش و ارزیابی میزان کارایی و کارآمدی قدرت چه به شکل سخت و چه به شکل نرم، امری ضروری برای عمال‌کنندگان آن است، زیرا اعمال قدرت عبارت است از فرایند تبدیل منابع قدرت به تغییراتی در رفتار بازیگران مورد نظر. به عبارت دیگر، بازیگران صاحب منابع قدرت از این منابع برای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار بازیگران هدف استفاده می‌کنند؛ با این حال، صرف استفاده از منابع قدرت از سوی بازیگران دارای این منابع، موجب تغییر رفتار بازیگران هدف نمی‌شود. همانگونه که نای اشاره می‌کند، منابع قدرت به‌خودی‌خود و ضرورتاً قادر به ایجاد نتایج مورد نظر و مطلوب نیستند (Nye, 2011, 76) نقل در رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۱۶). برای آنکه بازیگران صاحب منابع قدرت بتوانند با استفاده از این منابع به نتایج مطلوب دست یابند

و تغییرات مورد نظر خود را در رفتار بازیگران هدف ایجاد کنند، لازم است استراتژی‌های مؤثر و کارآمدی را به منظور اعمال قدرت در شرایط مناسب در پیش گیرند؛ به عبارت دیگر، منابع قدرت باید به شکلی موفقیت‌آمیز از طریق استراتژی‌های مؤثر و کارآمد، به نتایج مطلوب و مورد نظر تبدیل شوند (Nye, 2004, 13). نقل در رفیعی قهساره، (۱۳۹۷: ۱۶). از این رو، برگزیدن استراتژی‌های کارآمد و متناسب با شرایط برای تبدیل شدن منابع قدرت به نتایج مورد نظر، اهمیت و ضرورت دارد. بدون چنین استراتژی‌هایی، فرایند تبدیل منابع قدرت به نتایج دلخواه، به درستی صورت نخواهد گرفت. همین ارتباط، اهمیت ارزیابی و سنجش کارایی قدرت را آشکار می‌سازد. برای آنکه بازیگران صاحب منابع قدرت بتوانند بهترین استراتژی‌ها را برای تبدیل منابع قدرت به نتایج مورد نظر در پیش گیرند و کاستی‌ها و ضعف‌های استراتژی‌های منتخب را برطرف سازند، نیازمند ارزیابی و سنجش مداوم نتایج و پیامدهای اعمال قدرت از سوی خود هستند. این سنجش و ارزیابی مداوم، هم در رابطه با قدرت سخت و هم در رابطه با قدرت نرم اهمیت دارد (Ji, 2017: 77). نقل در رفیعی قهساره، (۱۳۹۷: ۱۶) و بر همین مبناست که چارچوب‌های مختلفی برای سنجش و ارزیابی قدرت نرم توسط نهادهای مختلف بین‌المللی بسط و توسعه داده شده است.

با توجه به چارچوب‌های مختلفی که در خصوص سنجش قدرت نرم کشورها وجود دارد، روش‌های سنجش این شاخص‌ها نیز متفاوت و مختلف‌اند. این در حالی است که متناسب با چارچوب شاخص‌های موجود و در یک جمع‌بندی کلی، این شاخص‌ها در سه گروه اصلی مشتمل بر احساسات/عواطف، برداشت‌ها/عقاید و رفتارها قابل طبقه‌بندی هستند و برای هر کدام از این سه گروه و متناسب با داده‌های در دسترس می‌توان روش‌های مختلفی را مورد استفاده قرار داد. جدول زیر روش‌های سنجش هر کدام از سه گروه فوق را نشان می‌دهد.

جدول ۳: روش‌های مختلف سنجش شاخص‌های قدرت نرم

روش‌ها	گروه اصلی شاخص‌ها
نظرسنجی، پیمایش، پرسشنامه، تحلیل محتوا، تحلیل کلان‌داده‌ها	احساسات/عواطف
تحلیل محتوا، تحلیل متن، تحلیل گفتمان، تحلیل چهارچوب‌ها، تحلیل کلان‌داده‌ها	برداشت‌ها/عقاید
تحلیل چهارچوب‌ها، تحلیل کلان‌داده‌ها	رفتارها

منبع: رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۲۲

منابع

- اسکندری، محمدحسین (۱۳۸۱). کالبدشکافی مفهوم قدرت، حوزه و دانشگاه، ۸(۳۰)، ۲۹-۵۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). فناوری‌های قدرت در جنگ نرم، مطالعات راهبردی، ۱۴(۵۱)، ۳۰-۵.
- رفیعی قهساره، ابوذر (۱۳۹۷). الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشورها، مطالعات قدرت نرم، سال ۸(۱۹)، ۲۳-۹.
- شعبانی، محمدرضا؛ هندیانی، عبدالله (۱۳۸۷). بسیج، شناخت و مدیریت تهدیدات نرم، در قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، جلد ۳، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- صدرپور، سید امیرحسین؛ جمشیدی، محمدحسین؛ اسلامی، محسن (۱۳۹۵). بررسی سازوکار نوین دیپلماسی عمومی بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای، مطالعات قدرت نرم، ۶(۱۴)، ۱۸۳-۱۶۶.
- فتاحی اردکانی، حسین؛ مسعودنیا، حسین؛ امام‌جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۹۷). تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)، مطالعات قدرت نرم، ۸(۱۸)، ۱۵۳-۱۳۰.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۷). سیاست ترکیه در قبال عراق پس از صدام، در عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، پژوهش ۱۲.
- کریمی، کامران (۱۳۹۱). محدودیت‌های قدرت نرم در سیاست بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای، سال سیزدهم، شماره ۳، ۱۳۷-۱۵۸.
- کیوان‌حسینی، سید اصغر؛ جمعه‌زاده، راحله (۱۳۹۲). تبیین نظری قدرت نرم بر مبنای نگرشی فرانای به کاربست منابع غیرمادی قدرت در سیاست خارجی، پژوهش سیاست نظری، ۱۳، ۱۵۹-۱۳۹.
- نای، جوزف اس (۱۳۸۳). کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران، راهبرد دفاعی، ۶، ۱-۳۷.
- نای جوزف اس (بی‌تا). قدرت نرم، ترجمه محمود عسکری، تهران: بی‌نا.
- نای، جوزف اس. (۱۳۸۶). منافع قدرت نرم، ترجمه ناصر بلیغ، علوم سیاسی، مطالعات راهبردی بسیج، ۳۶، ۱۱۵-۱۰۷.

نای، جوزف اس (۱۳۸۹). قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

Brand Finance (2021). Global Soft Power Index 2021, <https://brandirectory.com/globalsoftpower/download/brand-finance-global-soft-power-index-2021.pdf>

Kharitonova, Elena M. (2015). Soft power Effectiveness: Problem of Evaluation, MEMO Journal, No. 6, 48-58.

McClory, J. (2010). The New Persuaders, London: Institute for Government.

Nye, J. (2011). Power and Foreign Policy, Journal of Political Power, 4 (1), 9-24.

Nye, J. S. (2017). Soft power: the origins and political progress of a concept, Palgrave Communications, DOI: 10.1057/palcomms.2017.8 (www.palgrave-journals.com/palcomms).

Portland (2019). The Soft Power 30: A Global Ranking of Soft Power 2019, USC Center on Public Diplomacy, at <http://softpower30.com>